

سیاست ما

درباره شرکت نمایندگان مطبوعات حزب ما در جلسه مطبوعاتی موسوم به (جبهه ضد دیکتاتوری)

متن سخنان آقای احسان طبری در برابر فعالین تهران

رفقای ارجمند

تجربیات گذشته به ما نشان داده است که از این پس رهبری حزب باید برای مطلع ساختن افراد حزبی از سیاستی که حزب در پیش می گیرد، هرچندی یکبار چنین جلساتی تشکیل بدهد و درباره سیاست حزب توضیحات لازم را در معرض بحث و اظهار نظر رفقای فعال بگذارد. اینکار بخصوص از این جهت لازم است که از ابهام برخی از سیاست های حزب، و به خبری افراد حزبی از ماهیت و کیفیت آن قضایا جلوگیری شود و راه سفسطه برای منفي بافان مسدود ماند. چنانکه معلوم است این سفسطه ها در اذهان ساده و بی اطلاع برخی گاه خالی از تاثیر نیست. اینک تصور می رود، اگر رهبری حزب بوقوع و در مورد خود توضیحات لازم را راجع به روش های خود بدهد و با جلب اعتماد اعضاء حزب عمل کند، علاوه بر مراعات دموکراسی حزبی به بهتر شدن جریان کار کمک کرده است. این امر اضافه بر فوائد مذکور این فائده را نیز دارد که حلقه رهبری حزب را در نامین «کنترل از بائین» و مشورت با افکار عمومی نشان میدهد و تصور می رود که این خود بهترین پاسخ به عناصر انحرافی است که میخواستند خود را قهرمان «دموکراسی» حزب، معرفی کنند:

اینک پس از این مقدمه کوتاه وارد اصل مطلب بشویم.

مطلب بر سر اینست که چرا نمایندگان مطبوعات حزبی ما در جلسه مطبوعاتی موسوم به «جبهه ضد دیکتاتوری» شرکت جستند و حتی حاضر شدند با افراد این جبهه مطابق اساسنامه و آیین نامه مدونی وارد یک نوع همکاری مطبوعاتی بشوند؟

برای تشریح کامل این مسئله باید به سئوالات زیرین پاسخ داد:

چه عللی موجب بروز یک جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری شد؟

جریان این همکاری مطبوعاتی تاکنون چه بوده؟

چه تفسیرهایی درباره این همکاری مطبوعاتی میشود؟

چه فوایدی تاکنون از این همکاری مطبوعاتی عاید حزب ما گردیده است؟

این سخنرانی در روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت در مقابل فعالین تهران صورت گرفت.

I - سوال پیدایش يك جنبه مطبوعات ضدديكتاتورى

هنگامیکه گفته میشود علت اساسی پیدایش جنبه مطبوعات ضدديکتاتورى بزرگتر شدن خطر بروز استبداد و ميليتاریسم بود، برخیها سعی دارند که این مطلب را فقط يك بهانه محسوب نمى بدون دليل تعلق کنند و چنین چاره گر سازند که گویا این بهانه فقط روپوشى است بر روی مقاصد نهائى و دراصلی این همکاری مطبوعاتی. اگر در واقع برای برخی از شرکت کنندگان در جنبه مطبوعات ضدديکتاتورى دواعی عمده دیگری وجود دارد برای ما تنها يك انگیزه مهمترین و اساسی تر بین انگیزههاست، سعی برای جلوگیری از توسعه ميليتاریسم و نیرومندتر شدن عناصر استبدادى. بنظر ما مسئله پیدایش يك استبداد ضدبند مسئلهای خیالی نیست. بگرفته حوادث متوالی و اضمحلت این خطر را به ثبوت میرسانند. این حوادث را من در اینجا نام میبرم:

(1) کوشش برای توفیق همه کبیری از آزادخواهان و بخصوص مجاهدین حزب ما و حبس و تبعید آنها به نقاط دور دست جنوبی. علاوه بر نقشه در اسدیهان، گرگان، بابل و چند نقطه دیگر. اجرا گردید اخبار متوالی و حتی اخباری که آژانسهای خارجی منتشر نموده اند و اضمحلت این نقشه های سیاه را مبرهن میشود.

(2) نقشه برای اخراج دسته جمعی عناصر مترقی از ادارات دولتی. قسمتی از این نقشه عمومی در ولایات و قسمتی در بنگاه دولتی راه آهن بدستور منظم مقامات ارتشی عملی گردید.

(3) مختلق ساختن مطبوعات و توفیق جراید آزادخواه. این نقشه عملاً وارد مرحله اجرا شد و کسبونی برای احیاء قانون فرتوت واسقط محمد علیشاهی مطبوعات بوجود آمد و چند روزنامه را نیز توفیق نمودند این کمپون بر اثر هجوم عمومی مطبوعات موقه عقب نشینی کرد. (3) برقراری حکومت نظامی در نواحی شمالی و اسدیهان و قصد تجدید حکومت نظامی در تهران (این مطلب حتی در هیئت وزیران رسماً مطرح گردید). مقصود از تجمیع بدین حکومت عملی ساختن اختیارات مطبوعات و توفیق آزادخواهان از طریق تازه ای بود.

(4) ایجاد مجلس سنا که هدف آن بالا بردن افتد از مقامات قدرت پرست و ارمیان بردن اختیار قدرتهائی بود که بملل گوناگونی موجب نامساعد بودن فضای سیاسی از لحاظ تشدید ميليتاریسم و استبداد بودند. لایحه تشکیل و رسوای این مجلس نیز رسماً از طرف دولت تقدیم مجلس مبعوثان گردید.

علاوه بر حوادث فوق ما شاهد يك فعالیت شدید از ناحیه عناصر ديکتاتورمنش و ديکتاتورتراش هستیم و مشاهده می کنیم که چگونه در شهرستانها برانداخته دشالت مقامات ميليتاریستی در امور افزوده شده و سایه مرك آور استبداد بر روی آنها افتاده است.

با تمام این احوال چگونه میتوان مسئله بروز استبداد را يك دعوی صرف بسا يك فرضیه تصور کرد. چگونه میتوان آنها را بهانه ای دانست. چگونه میتوان آنرا علت اصلی شرکت ما در جنبه مطبوعات ضدديکتاتورى تلقی نمود. این خطر نه تنها وجود داشته بلکه کاملاً وجود دارد و یکی از عوامل مؤثری که از تعقیب سریع آن عاجلنا جلوگیری بعمل آورده است مساعی جنبه ضدديکتاتورى است.

II - جریان این همکاری مطبوعاتی

ما در این همکاری مطبوعاتی نسبت به شمار خود یعنی «همکاری مطبوعاتی بر ضدديکتاتورى»

وفادار ماندیم و از حدود این شمار تجاوز نکردیم. سعی ما این بود که در اساسنامه و آیین نامه مدونه حدود این شمار را کیدا حفظ کنیم. سخنان نمایندگان مادر جلسات این جبهه نیز از حدود این شمار تجاوز نکرد.

بنظر ما جلسات عمومی جرایدی که در این جبهه شرکت نموده اند محل مناسبی برای بیان بسیاری از نظریات منطقی و عادلانه حزب ماست. صرف نظر از نمایندگان حزب ما نمایندگان جراید دیگر در این جلسه سخنانی گفته اند که در هر صورت برای هر منظوری که گفته شود از اهداف شرایط کنونی کشور ما سودمند است. یکی از رفقایین نامه ای نوشت و در آنجا بایاد آوردی کرد که گوی فلان مدیر روزنامه را بخورید، او مرتجع است. از طرفی این توجه رفقای حزبی به جریانات حزب شایسته احترام و از طرفی تا این اندازه ساده لوحی موجب رقت است. وقتی فلان مدیر روزنامه ارتجاعی در این جلسه مدح حزب ما را می گوید، یا شماره های حزب ما را تاکید می کند، ما از این کار ضرر نخواهیم کرد. او بدین ترتیب نشان میدهد که در آن دشنامها که به حزب ما داده بود صادق نبوده است و در دشنامهایی که بحزب ما خواهد داد نیز صادق نخواهد بود. وقتی فلان مدیر روزنامه ارتجاعی مدعی با این جبهه همکاری می کند و از آن حمایت مینماید و بنشیند به عقب کرد سر بیج دست میزند ما از این کار ضرر نخواهیم کرد. این نشانه آنست که او دارای برنسیب مینمیست و به تهدات خود وقتی نمی گذارد. حزب ما و جراید حزبی ما از این جریان سود میبرند زیرا یکبار دیگر دشمنان سابقه دار خود را به مردم معرفی می کنند. ما در جریان این همکاری مطبوعاتی سرسوزنی از اصول حزبی خود عدول نکرده ایم و ذره ای نظریات خود را نبوشانده ایم بلکه بسا سربانندی و افتخار از آن یاد کرده ایم این دیگران هستند که از گفته های سابق خود عدول کرده و قسمتی از بیانات ما را تکرار و تصدیق می کنند. آیا صحیح است که ما آنها را از این وضع منع کنیم؟ آری درست است که جلسه از مطبوعات بنام جبهه ضد دیسکانتوری تشکیل بشود و در آنجا عدلا بر ضد اخناتاق مطبوعات و بعضی اقدامات دیسکر حرف زده شود و ما از آن دور بمانیم و نسبت بآن بیطرفی اختیار کنیم. در قضا این نکته را فراموش نکنند که ما باید بتوانیم از هر تریبون حتی از تریبون ارتجاعی ترین معافان نیز برای پیشرفت نظریات خود استفاده کنیم شرکت مادر مجلس شورائی به همین لحاظ بوده مازمانی در جبهه مطبوعاتی موسوم به جبهه آزادی شرکت ورزیدیم. با اینکه بسیاری از اعضاء این جبهه بمدها از روش اساسی جبهه روگردان شدند و حتی به جبهه مخالف آن پیوستند ما از این تددیر در موقع خود ضرر نبردیم جبهه آزادی در موقع خود برای بیداری افکار عمومی ملت ما، برای مقاومت در مقابل نیات اتمبار و ارتجاع مفید بود. نباید تصور کرد که اگر کاری ادامه نیافت، کملا موفق نشد آن کار سودمند نبوده است. کارهای ادامه نیافته و بدون توفیقی هم هست که در يك مرحله از فعالیت خود سودمند بوده. این بسیار مطبوعی است که ما باید در هر گونه جبهه مطبوعاتی ضد دیسکانتوری سهمیم باشیم و در آنجا برای ایجاد يك سمت صحیح در مطبوعات کشور با علاقه فعالیت کنیم.

III - تفسیرها و انتقادهائی که می شود

برخی از عناصر منحرف که اعمال تحریک آمیز آنها گویا هنوز هم قطع نشده از این جریان سهمی گرفته اند استفاده کنند. آنها این شعار آشکارا خلط را تبلیغ می کنند که حزب توده ایران گو باد رهکاری با جراید که به جناحهای اهریالیستی وابسته است از اصول خود عدول کرده، حزب توده ایران بسا مرتجعین و دشمنان سابق خود سازش کرده است؛ تردیدی نیست که این تبلیغات مستقیما بسود دیسکانتور تراشهاست که بیش از همه از این جبهه مطبوعاتی وحشت

دارند و از آن ناراضی هستند.

باید تبلیغات این عناصر منحرف را گوشه‌ای از اقدامات وسیع دیکتاتور تراشها برای منلاشی کردن این جبهه مطبوعاتی دانست. باید باین تبلیغات با نظر سوه‌نن لکریست، ولی کسانی هم هستند که در اثر سوء قضاوت و نداشتن طرز تفکر صحیح این گونه تبلیغات را می‌پسندند و احیاناً می‌پذیرند. این گمان اگرچه کج‌بایند ولی چون هستند لازم است ما به طرز تفکر آنها پاسخی بدهیم. یک حزب پیشرو، در صورتی که بخواهد در حیات سیاسی کشور نقشی داشته باشد از نزدیکی موقت، نزدیکی نه بردوی اصول، بلکه در برخی از مسائل تاکتیکی با دشمنان خود نساگزیر است. همیشه مبارزه بصورت کلاسیک خود یعنی در یکطرف آزادی و در یکطرف ارتجاع مطرح نمی‌شود. حزب پیشرو تنها با بیکار جوئی نمی‌تواند کار خود را از پیش ببرد، مواردی به سیاست، نرمی، نزدیکی، مانور و عقب‌نشینی و امتثال این احتیاج دارد. در تمام این موارد مسئله اساسی اینجاست که بساید این نرمیها، مداراها، مانورها، عقب‌نشینی‌ها همیشه بر حساب دقیق منافع حزب باشد. در تمام این موارد، حفظ اصول، فریب نخوردن از دشمن باید وجهه نظر قرار گیرد. منحرفین در زیر شماره‌های چپ‌ها همگونه نشینات حزب ما را در همکاریمای موقت با جبهه‌های دیگر اجتماعی تخطئه می‌کنند؛ زیرا آنها مایلند حزب ما در داخل خود به‌تند و به‌یک دست محدود با دشمنی عقابند جامد بدل شود و هرگز دارای تحرك سیاسی و نفوذ اجتماعی نگردد. بدیهی است که یک حزب جوان در تشبثات سیاسی خود گاه از خطا و فریب‌خوردگی نیز مصون نمی‌ماند، و حتی بسا احتمال این خطر نمی‌توان از هرگونه تشبث سیاسی خود دست کشید. یکی از رفقای حزبی در حوزه‌های ضمن بحث از تاکتیک کنونی حزب ما و انتقاد از آن مرتباً باین عبارت متوسل می‌گردید، «مار گزیده از ریمان سیاه و سفید می‌ترسد». فرار دادن یک چنین مثالی بعنوان کلید حل فسایای اجتماعی امر اشتباهی است. اگر بر ریمان سیاه و سفید احتیاج است بساید همیشه آنرا جستجو کرد اگرچه چند بار مارا مار هم گزیده باشد. منتها باید از تجارب گذشته پند گرفت و کاری کرد که «مار» مارا نگیرد. از بیم گزیده نشدن به پیفوله پناه بردن صحیح نیست. نداشتن جسارت اجتماعی یک حزب را دچار پوسیدگی و انحطاط می‌کند.

تفسیر دیگری که از طرف جراید ارتجاعی میشود اینست که گویا این جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری نشانه نزدیکی سیاست شوروی و انگلستان در ایران است. این نفقه را برخی از جراید تنها برای آن ساز کرده‌اند که عده‌ای از جراید از شرکت در یک معامله دو طرفه، تن زنده و خود را نسبت بآن بی‌علاقه نشان دهند و در نتیجه پایه جبهه مطبوعاتی متزلزل شود. خوشبختانه باین نفقه ناساز پاسخ دندان شکن داده شده. عملاً دیده میشد که از طرف گروه‌های گوناگونی نمایندگان در این جبهه مطبوعاتی شرکت دارند و با در نظر گرفتن حضور آنها اثبات صحت تئوری «معامله دو طرفه» با شکالانی برخوردار می‌گردد. نباید گفت که در پیدایش جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری عوامل بین‌المللی سیاست جهانی بکلی بی‌تاثیر است. این عوامل بدون شك تأثیری داشته است ولی محسو کردن موضوع اساسی این جبهه یعنی لزوم مبارزه برضد بسط میلیتاریسم و ازدیاد قدرت دیکتاتور منشان و برجسته کردن جنبه بین‌المللی آن، کاری که بر مبلق منظور خاصی انجام می‌گیرد، علاوه بر آنکه بجا نیست، نادرست نیز هست. اگر این نیز اساسی در واقع وجود نداشت عاملی که این جراید را بهم می‌نواست نزدیک کند، علمی رغام مساعدت اوضاع بین‌المللی وجود نمی‌داشت. شوه حزب ما برعکس اینست که نیز اساسی این جبهه برجسته شود زیرا فقط در بدرتو برجسته کردن این نیز و اثبات صحت آن میتوان وحدت را در داخل این جبهه حفاظت کرد

و این جبهه را در طریق مفید و موثری سوق داد.

IV - فوایدی که از این همکاری مطبوعاتی عاید شده است

اتفاقاً سیاست حزب ما در شرکت در جبهه مطبوعات ضد دیکتاتورسیاستی نمر بخش بوده است. همه کس تصدیق دارد که هم آهنگی شگرف جراید با آن لعن آتشین در انتقاد از مجلس سنا، حکومت نظامی، توقیف آزادبخواهان، اختناق مطبوعات، اخراج کارمندان، بیعت مبلینارسم، توسعه طوفان قدرت پرستان، تاثیر عمیقی در جامعه ایرانی داشته و بسیاری از نقشه های استبدادی را برهم زده است. تلاش از روی وحشت و عجله دیکتاتور مآب ها برای برهم زدن جبهه، صرف بول، دادن وعده و کالت، بخش مقام ووا کنشهای دیگر همه در نهایت فصاحت حاکی از اثر عمیق این سیاست بوده است.

در برتوی این سیاست - حزب ما توانست از نیمه امنیتی برخوردار شده به بسیاری از کارهای داخلی خود نیز بپردازد. میتوان گفت که نتیجه جمع بندی از سیاست حزب ما در مورد شرکت در جبهه مطبوعات ضد دیکتاتورسیاستی نتیجه مثبت و رضایت بخشی را نشان میدهد.

البته رفقای حزبی ما حق دارند که از رهبری حزب خود متوقع خرم و دقت کامل باشند. من در اینجا این مسئله را تصریح می کنم که رهبری حزب ما تا آنجا که علم و تجربه اش اجازه میدهد در این سیاست تازه خود دقیق و موافق است.

حزب ما در گذشته نشان داد که علی رغم برخی از اشتباهات هرگز اصول را فدای کرده است لذا رفقای حزبی ما میتوانند به استقامت اصولی ما مطمئن باشند علاوه بر آن میتوانند مطمئن باشند که رهبری حزب ما با استفاده از تجارب گذشته کمتر خطا خواهد کرد.

ما در مراحل دیگر نیز سیاست حزب خود را برای رفقا تشریح خواهیم کرد و پس از تشریح به ستیالات و انتقادات رفقا پاسخ خواهیم گفت.

در دنباله این بحث لاطق بحثی درباره دو مین کنگره حزب توده ایران لهود که منتهی آن در سرمقاله مجله مردم شعار خرداندن شریفات.